



سرمقاله

## صدای پای بهار

قافله خیزش مجدد طبیعت بازماند.  
بهار در سالهای خفقان و دیکتاتوری، و  
سالهای سیاه بیداد و ستم‌شاهی، تنها فصل شروع  
سال جدید بود و بهار انتظار بود و آغازی همراه  
با فریاد در گلو شکسته مظلومین و ستمدیدگان  
همه تاریخ این مرز و بوم بود و در يك كلام  
بقول «محمد لخدر حمینه» کارگردان بزرگ

یکبار دیگر همراه با ترنم دلنشین جویباران و  
شکوفه شدن شکوفه‌ها، صدای پای بهار می‌آید.  
بهار در عین اینکه فصل گل دادن گیاهان و  
روئیدن سبزه‌زاران است، فصل تجدید حیات  
طبیعت نیز هست. در این فصل گوئی که نوای  
روحبخش گامهای زندگی بهمراه آوای دلنواز  
نسیم، فریاد بیداری سر می‌دهند تا هیچ چیز از

الجزایری، سالهای آتش زیر خاکستر بود.

بهار اما، در این دوازده ساله اخیر، حال و هوای دیگری دارد. در عین اینکه فصل خیزش و بیداری و تجدید حیات طبیعت است، بهار آزادی نیز هست و بحق در این بهاران پیروزی انقلاب اسلامی، جای تمامی کسانی که براستی نهال این آزادی را با خون خویش آبیاری کردند و از آن مهتر جای آن راحل بزرگ و آن رهبر کبیر که همه چیز مان از اوست، خالی است.

امروز اما، در جایگاه آن عزیز از دست رفته، شاگرد خلقی تکیه زده که با تداوم راهش و ادامه خطش، تسلی بخش دل تمامی کسانی است که قلبشان برای امامشان می طپید و امروز همه امیدشان بعد از حضرت حق به اوست.

بهار ایران اسلامی دو واقعه مهم و دو حادثه تلخ و شیرین را نیز در دل خود دارد. اینکه می گویم بهار ایران اسلامی به این خاطر است که حوادث مذکور در حصار مرزهای این سرزمین اتفاق افتاده، و گرنه هر دو واقعه از چارچوب ایران گذشته و متعلق به همه جهان اسلام شده است.

رأی قاطع امت مسلمان ایران در اولین ماه بهار سال ۵۸ به «جمهوری اسلامی» در واقع دفن دو هزار و پانصد سال حکومت ستم شاهی در گورستان تاریخ بود و بدین ترتیب شهد گوارای استقرار حکومت اسلامی به پرچم داری امام بزرگوار امت را در کام تمامی کسانی ریخت که قلبشان از ستمگری و زورگوئی و سلطه گری همه جهان استکباری بدرد آمده

بود. در حقیقت این واقعه مهم و این حادثه شیرین باعث شد تا همه دردمندان تاریخ در سراسر دنیای اسلام، خنکای آنرا بر دلهای سوخته خویش احساس کنند، و چه می گویم که با تمام پوست و گوشت و استخوان خویش لمس نمایند.

آری دوازدهم فروردین روز مهمی است و دلیلش نیز اینکه پس از هزار و چهارصد سال، اسلام تولدی دوباره یافت و درهم آمیختگی طنین گامهای استوارش با صدای مظلومیت مظلومین تاریخ، فریاد رعد آسائی شد که خواب راحت را بر همه دنیای استبداد حرام کرد، و به تمام جهان استکبار نشان داد که اینک مسلمین جهان بنا دارند تا طرحی نو دراندازند و به یمن این روز که بحق یوم الله لقب گرفته، زمینه ساز حکومت جهانی اسلام شوند.

بهار اما، ده سال بعد در آخرین ماه خویش یعنی خرداد ۶۸، حادثه تلخ از دست دادن امام، آن قلب طپنده ای که هنوز نیز گفتارش و هشدارهایش خون به رگهای تشنه امت مسلمان ایران و دیگر مسلمانان جهان جاری میسازد را، بهمراه داشت.

امام خمینی (ره) پرچم مبارزه با استکبار را سالیان سال بدوش کشید و با هدایتگری خویش حرکتی را آغاز کرد که سرانجام به پیروزی انقلاب اسلامی ختم شد. امام از یکسو هويت از دست رفته مسلمانان را به آنها بازگرداند و از سوی دیگر بی هویتی دنیای استکبار به سرکردگی شیطان بزرگ را به رخ تمامی زجر کشیدگان و مظلومین جهان کشید،

تا همگان بدانند که با اتحاد به همه چیز می‌توان رسید.

درس اتحاد حول ریسمان الهی را اسلام به مردم آموخت، ولی در پشت غبار جهل و بی‌خبری بوجود آمده توسط حکام جور و ستم به فراموشی سپرده شد. امام امت با دم مسیحائی خویش این غبار را بکناری زد تا زلال آن آموخته خداوند تبارک و تعالی بار دیگر بر همگان آشکار شود و مسلمین در سایه‌اش شیرینی گوارای پیروزی را در کام خود مزه مزه کنند و با تک تک سلولهای خویش لمس نمایند.

آری بهار سال ۶۸، بهار از دست دادن امام بود و این غم نه تنها بر قلب مسلمین ایران و جهان که بر دل بهار نیز هنوز که هنوز است سنگینی می‌کند.

بگذریم. گفتم که بهار فصل زنده شدن دوباره طبیعت است و برای این حیات مجدد، تحمل زمستان سخت حتمی است. تنها اجزائی از طبیعت که شلاق دردناک سوز و سرمای دی و بهمن را تاب آورده‌اند، با نسیم دلنشین و روح‌بخش فروردین، سبزی و تراوت و شادابی را بدست می‌آورند.

«رازی» نیز اینک دومین بهار خویش را آغاز می‌کند. روزی که باصطلاح کلید کار را زدیم، امیدمان اول به حضرت باری تعالی بود و بعد نیز چشم براه همکاری همه کسانی بودیم که خواهان پیشرفت علوم پزشکی و اعتلای داروسازی در این مرز و بوم بودند.

نه تنها «رازی» بعنوان ماهنامه داروئی، که

اصولاً داروسازی ایران برای پیشرفت هر چه بیشتر، نیاز به همکاری تمامی دست‌اندرکاران این حرفه و مسئولین مربوطه دارد. البته ناگفته نماند که داروسازی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دستاوردهای بزرگی داشته که دستاوردهای انقلاب نیز هست و به همین اعتبار، ضمن پاسداری از این دستاوردها که پاسداری از انقلاب است، بایستی قدمهای استوارتر و راسخ‌تری در این راه برداشته شود، که خود کفائی از خود گذشتگی طلب می‌کند، و بر روی پای خود ایستادن، فداکاری می‌خواهد.

تلاش در این راه، دریائی از همت و عشق می‌طلبد که نشریه «رازی» خود را قطرهای از این دریا می‌داند.

تمام کوشش دست‌اندرکاران نشریه تا کنون این بوده که قدمهای خویش را در این راه هر روز استوارتر از روز قبل بردارند و اینکه تا چه حد موفق بوده‌اند، قضاوت با شما همکاران و مخاطبین است. نامه‌هایی که تا به امروز از سوی شما عزیزان به ما رسیده و خود را بحق وام‌دار محبت‌های بی‌دریغتان می‌دانیم، نقشی بسزادر دلگرمی و تداوم راه نشریه داشته و خواهد داشت.

در خاتمه ضمن تبریک آغاز سال جدید، امیدواریم که توانسته باشیم تا کنون قدمی هرچند کوچک در راه پیشبرد ابعاد علمی اجتماعی داروسازی برداشته و به میمنت ماه مبارک رمضان و کمک تمامی یاران و همکاران خوبمان، این راه را تا به آخر ادامه دهیم.

دکتر فریدون سیامک‌نژاد